

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۱۲۲

آیه ۱۱۰

آیه و ترجمه

اذ قال الله یعیسی ابن مریم اذکر نعمتی علیک و علی ولدتک اذ ایدتک بروح القدس تکلم الناس فی المهد و کهلا و اذ علمتک الکتب والحکمة و التورثة و الانجیل و اذ تخلق من الطین کھیة الطیر باذنی فتنفخ فیها فتکون طیرا باذنی و تبرئ الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج الموتی باذنی و اذ کففت بنی اسرائیل عنک اذ جئتهم بالبینت فقال الذین کفروا منہم ان هذا الا سحر مبین

ترجمه :

۱۱۰ - بیاد آور هنگامی را که خداوند به عیسی بن مریم گفت متذکر نعمتی که بر تو و مادرت دادم باش، زمانی که تو را بوسیله روح القدس تقویت کردم که در گاهواره و به هنگام بزرگی با مردم سخن میگفتی، و هنگامی که کتاب و حکمت و تورات و انجیل بر تو آموختم، و هنگامی که به فرمان من از گل چیزی بصورت پرنده می ساختی و در آن می دمیدی و به فرمان من پرندهای می شد و کور مادرزاد و مبتلا به بیماری پیسی را به فرمان من شفا میدادی، و مردگان را (نیز) به فرمان من زنده میکردی، و هنگامی که بنی اسرائیل را از آسیب رسانیدن به توباز داشتم در آن موقع که دلایل روشن برای آنها آوردی ولی جمعی از کافران آنها گفتند اینها جز سحر آشکار نیست.

تفسیر:

مواهب الهی بر مسیح

این آیه و آیات بعد تا آخر سوره مائده مربوط به سرگذشت حضرت مسیح (علیه السلام)

تفسیر نمونه ج: ۵ صفحه ۱۲۳

و مواهبی است که به او و امتش ارزانی داشته که برای بیداری و آگاهی مسلمانان در اینجا بیان شده است.

نخست می گوید: بیاد بیاور هنگامی را که خداوند به عیسی بن مریم فرمود: نعمتی را که بر تو و بر مادرت ارزانی داشتم متذکر باش (اذ قال الله یا عیسی

ابن مریم اذکر نعمتی علیک و علی والدتک).

طبق این تفسیر، آیات فوق بحث مستقلی را شروع می کند که برای مسلمانان جنبه تربیتی دارد و مربوط به همین دنیا است، ولی جمعی از مفسران مانند طبرسی و بیضاوی و ابو الفتوح رازی این احتمال را داده اند که آیه دنباله آیه قبل و مربوط به سؤالات و سخنانی باشد که خداوند با پیامبران در روز قیامت خواهد داشت، و بنابراین قال که فعل ماضی است در اینجا به معنی یقول که فعل مضارع است میباشد، ولی این احتمال مخالف ظاهر آیه است، بخصوص اینکه معمولا شمردن نعمتها برای کسی به منظور زنده کردن روح شکرگزاری در او است، درحالی که در قیامت این مساله مطرح نیست. سپس به ذکر مواهب خود پرداخته، نخست میگوید تو را با روح القدس تقویت کردم (اذ ایدتک بروح القدس).

درباره معنی روح القدس در جلد اول صفحه ۲۳۶ مشروحا بحث شد و خلاصه یک احتمال این است که مراد از آن فرشته وحی جبرئیل می باشد و احتمال دیگر اینکه منظور همان نیروی غیبی است که عیسی را برای انجام معجزات و تحقق بخشیدن به رسالت مهمش تقویت میکرد، این معنی در غیر انبیاء نیز به درجه ضعیفتر وجود دارد.

دیگر از مواهب الهی بر تو این است که به تایید روح القدس با مردم در گهواره و به هنگام بزرگی و پختگی سخن میگفتی (تکلم الناس فی المهد و کهلا).

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۱۲۴

اشاره به اینکه سخنان تو در گاهواره همانند سخنان تو در بزرگی، پخته و حساب شده بود، نه سخنان کودکانه و بی ارزش. دیگر اینکه کتاب و حکمت و تورات و انجیل را به تو تعلیم دادم (و اذ علمتک الکتاب و الحکمة و التوریه و الانجیل). ذکر تورات و انجیل بعد از ذکر کتاب با اینکه از کتب آسمانی است، در حقیقت از قبیل تفصیل بعد از اجمال است. دیگر از مواهب اینکه از گل به فرمان من چیزی شبیه پرنده می ساختی سپس در آن می دمیدی و به اذن من پرنده زندهای می شد (و اذ تخلق من الطین کهیئة الطیر باذنی فتنفخ فیها فتکون طیرا باذنی). دیگر اینکه: کور مادرزاد و کسی که مبتلا به بیماری پسی بود به اذن من شفا میدادی (و تبرء الاکمه و الابرص باذنی).

و نیز مردگان را به اذن من زنده میکردی (و اذ تخرج الموتی باذنی). و بالاخره یکی دیگر از مواهب من بر تو این بود که بنی اسرائیل را از آسیب رساندن به تو باز داشتم در آن هنگام که کافران آنها در برابر دلائل روشن تو بپاخواستند و آنها را سحر آشکاری معرفی کردند من در برابر این همه هیاهو و دشمنان سر سخت و لجوج تو را حفظ کردم تا دعوت خود را پیش ببری (و اذ کففت بنی اسرائیل عنک اذ جئتهم بالبينات فقال الذين كفروا منهم ان هذا الا سحر مبين).

قابل توجه اینکه در این آیه چهار بار کلمه باذنی (به فرمان من) تکرار شده است، تا جایی برای غلو و ادعای الوهیت در مورد حضرت مسیح (علیه السلام) باقی نماند، یعنی آنچه او انجام میداد گرچه بسیار عجیب و شگفت انگیز بود، و به کارهای خدائی شباهت داشت ولی هیچیک از ناحیه او نبود بلکه همه از ناحیه خدا انجام میگرفت، او بندهای بود سربر فرمان خدا و هر چه داشت از طریق استمداد

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۱۲۵

از نیروی لایزال الهی بود. ممکن است گفته شود تمام این مواهب مربوط به مسیح (علیه السلام) بوده است چرا در این آیه برای مادرش مریم نیز موهبت شمرده است؟ پاسخ اینکه مسلم است هر موهبتی به فرزند برسد در حقیقت به مادر او هم رسیده است زیرا هر دو از یک اصلند و ساقه و ریشه یک درخت. ضمناً همانطور که در ذیل آیه ۴۹ سوره آل عمران یادآور شدیم این آیه و مانند آن از دلائل روشن ولایت تکوینی اولیای خدا است، زیرا در سرگذشت مسیح زنده کردن مردگان، و شفای کور مادرزاد، و بیمار غیرقابل علاج، به شخص مسیح (علیه السلام) نسبت داده شده، منتها به اذن و فرمان خدا. از این تعبیر استفاده می شود که ممکن است خداوند چنین قدرتی را برای تصرف در عالم تکوین در اختیار کسی بگذارد که گاه گاه چنین اعمالی را انجام دهد، و تفسیر این آیه به دعا کردن انبیاء، و اجابت دعای آنها از ناحیه خدا کاملاً بر خلاف ظواهر آیات است. و منظور ما از ولایت تکوینی اولیای خدا چیزی جز آنکه در بالا ذکر شد نمی باشد، زیرا دلیلی بر بیش از این مقدار نداریم، (برای توضیح بیشتر به جلد دوم صفحه ۴۲۲ مراجعه نمائید).

آیه ۱۱۱-۱۱۵

آیه و ترجمه

و اذ اوحیت الی الحوارین ان امنوا بی و برسولی قالوا امنا و اشهد باننا مسلمون ۱۱۱
اذ قال الحواریون یعیسی ابن مریم هل یتطیع ربک ان ینزل علینا مائدة من السماء قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین ۱۱۲
قالوا نرید ان ناکل منها و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا و نکون علیها من الشهدین ۱۱۳
قال عیسی ابن مریم اللهم ربنا انزل علینا مائدة من السماء تكون لنا عیدالاولنا و اخرنا و ایه منک و ارزقنا و انت خیر الرزقین ۱۱۴
قال الله انی منزلها علیکم فمن یکفر بعد منکم فانی اعذبه عذابا لا اعذبه احدا من العلمین ۱۱۵
ترجمه :

۱۱۱ - و بیاد آور زمانی را که به حواریون وحی فرستادم که به من و فرستاده من ایمان بیاورید، آنها گفتند ایمان آوردیم و گواه باش که مامسلمانیم.
۱۱۲ - در آن هنگام که حواریون گفتند: ای عیسی بن مریم آیا پروردگارتو میتواند مائدهای از آسمان نازل کند؟ او (در پاسخ) گفت از خدایپر هیزید اگر با ایمان هستید!
۱۱۳ - گفتند (ما نظر سوئی نداریم) میخواهیم از آن بخوریم و دلهای ما (به) رسالت تو) مطمئن گردد و بدانیم به ما راست گفتهای و بر آن گواه باشیم.
۱۱۴ - عیسی عرض کرد: خداوندا، پروردگارا! مائدهای از آسمان بر ما بفرست تا عیدی

برای اول و آخر ما باشد و نشانهای از تو، و به ما روزی ده، تو بهترین روزی دهندگانی
۱۱۵ - خداوند (دعای او را مستجاب کرد و) گفت من آنرا بر شما نازل میکنم ولی هر کس از شما بعد از آن کافر گردد (و راه انکار پوید) او را چنان مجازاتی میکنم که احدی از جهانیان را نکرده باشم!

تفسیر:

داستان نزول مائده بر حواریون

به دنبال بحثی که درباره مواهب الهی درباره مسیح (علیه السلام) و مادرش در آیات قبل بیان شد در این آیات به موهبت‌هایی که به حواریین یعنی یاران نزدیک مسیح (علیه السلام) بخشیده اشاره میکند:

نخست میفرماید: بخاطر بیاور زمانی را که به حواریین وحی فرستادم که به من و فرستادهام مسیح (علیه السلام) ایمان بیاورید و آنها دعوت مرا اجابت کردند و گفتند: ایمان آوردیم، خداوندا گواه باش که ما مسلمان و در برابر فرمان تو تسلیم هستیم (و اذ اوحیت الی الحواریین ان آمنوا بی و برسولی قالوا آمنا و اشهد باننا مسلمون).

البته میدانیم که «(وحی)» در قرآن معنی وسیعی دارد و منحصر به وحیهائی که بر پیامبران نازل میشد نیست، بلکه الهاماتی که به قلب افراد می‌شود نیز از مصداقهای آن است و لذا درباره مادر موسی (سوره قصص آیه ۷) نیز تعبیر به وحی شده و حتی به غرائز و الهامات تکوینی حیواناتی همچون زنبور عسل نیز در قرآن کلمه وحی گفته شده است.

تفسیر نمونه ج: ۵ صفحه ۱۲۸

این احتمال نیز وجود دارد که منظور روحی‌هایی باشد که بواسطه مسیح (علیه السلام) و با پشتوانه معجزات برای آنها فرستاده می‌شد. درباره حواریین یعنی شاگردان و یاران مخصوص مسیح (علیه السلام) در جلد دوم صفحه ۴۲۶ بحث کرده‌ایم.

سپس اشاره به جریان معروف نزول مائده آسمانی کرده، می‌گوید: یاران خاص مسیح به عیسی (علیه السلام) گفتند: آیا پروردگار تو می‌تواند غذائی از آسمان برای ما بفرستد؟ (اذ قال الحواریون یا عیسی ابن مریم هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائدة من السماء).

مائده در لغت هم به خوان و سفره و طبق گفته می‌شود و هم به غذائی که در آن قرار می‌دهند. و در اصل از ماده مید به معنی حرکت و تکان خوردن است شاید اطلاق مائده بر سفره و غذا به خاطر نقل و انتقالی است که در آن صورت می‌گیرد.

مسیح (علیه السلام) از این تقاضا که بوی شک و تردید می‌داد پس از آوردن آنهمه آیات و نشانه‌های دیگر نگران شد و به آنها هشدار داد و گفت: از خدا

بترسید اگر ایمان دارید (قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین). ولی به زودی به اطلاع عیسی (علیه السلام) رسانیدند که ما هدف نادرستی از این پیشنهاد نداریم، و غرض ما لجاجت ورزی نیست بلکه می خواهیم از این مائده بخوریم (و علاوه بر نورانیتی که بر اثر تغذیه از غذای آسمانی در قلب ما پیدا می شود، زیرا تغذیه به طور مسلم در روح انسان مؤثر است) قلب ما اطمینان و آرامش پیدا کند و با مشاهده این معجزه بزرگ به سر حد عین الیقین برسیم و بدانیم آنچه به ما گفته های راست بوده و بتوانیم بر آن گواهی دهیم (قالوا نریدان ناکل منها و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا و نکون علیها من الشاهدین).

هنگامی که عیسی (علیه السلام) از حسن نیت آنها در این تقاضا آگاه شد، خواسته آنها را به پیشگاه پروردگار به این صورت منعکس کرد: خداوند! مائدهای از

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۱۲۹

آسمان برای ما بفرست که عیدی برای اول و آخر ما باشد، و نشانه ای از ناحیه تو محسوب شود و به ما روزی ده، تو بهترین روزی دهندگان هستی (قال عیسی ابن مریم اللهم ربنا انزل علینا مائدة من السماء تكون لنا عیدا لا ولنا و آخرنا و آیه منک و ارزقنا و انت خیر الرازقین).

قابل توجه اینکه مسیح تقاضای آنها را بطرزی شایسته تر در پیشگاه خدا بیان کرد که حاکی از روح حق طلبی و ملاحظه مصالح جمعی و عمومی بوده باشد. خداوند این دعائی را که از روی حسن نیت و اخلاص صادر شده بود اجابت کرد، و به آنها فرمود: من چنین مائدهای را بر شما نازل می کنم، ولی توجه داشته باشید، بعد از نزول این مائده مسئولیت شما بسیار سنگینتر می شود و با مشاهده چنین معجزه آشکاری هر کس بعد از آن، راه کفر را بیوید او را چنان مجازاتی خواهیم کرد که احدی از جهانیان را چنین مجازاتی نکرده باشم! (قال الله انی منزلها علیکم فمن یکفر بعد منکم فانی اعذبه عذابا لا اعذبه احدا من العالمین).

نکته ها

در این آیات نکاتی است که باید مورد بررسی قرار گیرد:

۱- منظور از تقاضای مائده چه بود؟

شک نیست که حواریون در این تقاضا نظر سوئی نداشتند و هدفشان لجاجت

در برابر مسیح (علیه السلام) نبود، بلکه در جستجوی آرامش بیشتر و زدودن باقیمانده تردیدها و وسوسه‌های اعماق قلبشان بوده‌است زیرا بسیار می‌شود که انسان با استدلال و حتی گاهی با تجربه، مطلبی را اثبات می‌کند اما چون مساله، مساله مهمی است بقایای از وسوسه و شک در زوایای قلب او می‌ماند، لذا میل دارد با تجربه و آزمایش مکرر، و یا با تبدیل کردن استدلالات علمی به مشاهدات عینی آنها را نیز از اعماق قلب خود ریشه کن سازد، لذا می‌بینیم حتی ابراهیم (علیه السلام) با آن مقام والای ایمان و یقینش از خداوند تقاضا می‌کند که

تفسیر نمونه ج: ۵ صفحه ۱۳۰

مساله معاد را با چشم خود ببینند تا ایمان علمیش به عین یقین و شهود، تبدیل شود.

ولی از آنجا که تعبیر تقاضای حواریون ظاهراً زننده بود، حضرت مسیح (علیه السلام) آن را حمل بر بهانه جوئی کرد و به آنها اعتراض نمود اما هنگامی که با توضیح بیشتر مقصد خود را روشن ساختند، عیسی (علیه السلام) در برابر آنها تسلیم شد.

۲- منظور از هل یستطیع ربک چیست

- مسلماً این جمله در ابتدا چنین معنی می‌دهد که حواریون در قدرت خدا در نزول مائده شک داشتند، ولی در تفسیر آن مفسران اسلامی بیاناتی دارند، که چند قسمت آن از همه بهتر به نظر می‌رسد نخست اینکه این در خواست در آغاز کار آنها بود، که به تمام صفات خدا کاملاً آشنا نبودند، دیگر اینکه منظورشان این بوده آیا خداوند مصلحت می‌بیند چنین مائده‌ای را بر ما نازل کند، همانطور که فی‌المثل کسی به دیگری می‌گوید من نمی‌توانم تمام ثروتم را بدست فلان کس بدهم، یعنی صلاح نمی‌بینم نه اینکه قدرت ندارم، سوم اینکه یستطیع به معنی یستجیب بوده باشد زیرا ماده طوع به معنی انقیاد است و هنگامی که به باب استفعال برود چنین معنی را می‌توان از آن استفاده کرد، بنابراین معنی جمله چنین می‌شود آیا پروردگار تو از ما می‌پذیرد که مائده آسمانی بر ما نازل کند؟

۳- این مائده آسمانی چه بود؟

- درباره محتویات این مائده در قرآن ذکری به میان نیامده، ولی از احادیث از جمله از حدیثی که از امام باقر (علیه السلام) نقل شده چنین استفاده می‌شود

که طعام مزبور چند قرص نان و چند ماهی بود و شاید علت مطالبه چنین اعجازی آن بوده، که شنیده بودند مائده آسمانی بر بنی اسرائیل به اعجاز موسی نازل شد، آنها هم چنین تقاضائی را از عیسی کردند.

۴ - آیا مائدهای بر آنها نازل شد؟

- با اینکه آیات فوق تقریباً صراحت در نزول مائده دارد زیرا وعده خداوند تخلف ناپذیر است، اما عجیب این است که بعضی از مفسران در نزول مائده تردید کرده‌اند و گفته‌اند هنگامی که حواریون

تفسیر نمونه ج: ۵ صفحه ۱۳۱

شدت مسئولیت را پس از نزول مائده احساس کردند از تقاضای خود صرف‌نظر نمودند! ولی حق این است که مائده بر آنها نازل گردید.

۵ - عید چیست؟

- عید در لغت از ماده عود به معنی بازگشت است، و لذا به روزهایی که مشکلات از قوم و جمعیتی بر طرف می‌شود و بازگشت به پیروزیها و راحتیهای نخستین می‌کند عید گفته می‌شود، و در اعیاد اسلامی به مناسبت اینکه در پرتو اطاعت یک ماه مبارک رمضان و یا انجام فریضه بزرگ حج، صفا و پاکی فطری نخستین به روح و جان باز می‌گردد، و آلودگیها که بر خلاف فطرت است، از میان می‌رود، عید گفته شده است، و از آنجا که روز نزول مائده روز بازگشت به پیروزی و پاکی و ایمان به خدا بوده است حضرت مسیح (علیه السلام) آن را عید نامیده، و همانطور که در روایات وارد شده نزول مائده در روز یکشنبه بود و شاید یکی از علل احترام روز یکشنبه در نظر مسیحیان نیز همین بوده است.

و اگر در روایتی که از علی (علیه السلام) نقل شده می‌خوانیم و کل یوم لایعصى الله فیه فهو یوم عید: هر روز که در آن معصیت خدا نشود روز عید است نیز اشاره به همین موضوع است، زیرا روز ترک گناه روز پیروزی و پاکی و بازگشت به فطرت نخستین است.

۶ - مجازات شدید برای چه بود؟

- در اینجا نکته مهمی است که باید به آن توجه داشت و آن اینکه هنگامی که ایمان به مرحله شهود و عین الیقین برسد یعنی حقیقت را با چشم مشاهده کند و جای هیچگونه تردید و وسوسه باقی نماند مسئولیت او بسیار سنگینتر خواهد شد زیرا چنین کسی آن انسان سابق که ایمانش بر پایه شهود نبود، و

احیاناً وسوسه‌هایی در آن وجود داشت نیست، او وارد مرحله جدیدی از ایمان و مسئولیت شده است و کمترین تقصیر و غفلت و کوتاهی او موجب مجازات شدیدی خواهد شد به همین دلیل مسئولیت انبیاء و اولیای خدا، سخت

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۱۳۲

سنگین بود بطوری که همیشه از آن وحشت داشتند، در زندگی روزانه نیز به نمونه‌هایی از این مطلب برخورد می‌کنیم مثلاً هر کس می‌داند که قاعدتا در شهر و دیار او گرسنگانی وجود دارند که در برابر آنها مسئولیت دارد، اما هنگامی که با چشم خود ببیند که انسان بیگناهی از شدت گرسنگی ناله می‌کند، مسلماً شکل مسئولیت او عوض می‌گردد.

۷ - عهد جدید و مائده

- در اناجیل چهارگانه کنونی سخنی از مائده به شکلی که در قرآن است نمی‌یابیم گرچه در انجیل یوحنا باب ۲۱ بحثی درباره اطعام و پذیرائی اعجاز آمیز مسیح از جمعی از مردم با نان و ماهی به میان آمده اما با اندک توجهی روشن می‌شود که ارتباطی با مساله مائده آسمانی و حواریون ندارد در کتاب اعمال رسولان که از کتب عهد جدید است نیز درباره نزول مائده بر یکی از حواریون به نام پطرس بحثی به میان آمده اما آنهم غیر از آن است که ما درباره آن بحث می‌کنیم، ولی از آنجا که می‌دانیم بسیاری از حقایقی که بر عیسی (علیه السلام) نازل گشت در اناجیل کنونی نیست همانطور که بسیاری از مطالبی که در اناجیل است بر مسیح (علیه السلام) نازل نشده مشکلی از این نظر در جریان نزول مائده به وجود نخواهد آمد.

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۱۳۳

آیه ۱۱۶-۱۱۸

آیه و ترجمه

و اذ قال الله یعیسی ابن مریم ء انت قلت للناس اتخذونی و اءمی الهین من دون الله قال سبحنک ما یكون لی ءن ءقول ما لیس لی بحق ان کنت قلته فقد علمته تعلم ما فی نفسی و لا ءعلم ما فی نفسک انک ءنت علم الغیوب ۱۱۶
ما قلت لهم الا ما ءمرتني به ءن اعبدوا الله ربی و ربکم و کنت علیهم شهیداً ما دمت فیهم فلما توفیتني کنت ءنت الرقیب علیهم و ءنت علی کل شیء

ان تعذبهم فانهم عبادک و ان تغفر لهم فانک انت العزيز الحکیم ۱۱۸

ترجمه :

۱۱۶ - به یادآور زمانی را که خداوند به عیسی بن مریم می گوید: آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را دو معبود، غیر از خدا، انتخاب کنید؟ اومی گوید: منزهی تو، من حق ندارم آنچه را که شایسته من نیست بگویم، اگر چنین سخنی را گفته باشم تو می دانی، تو از آنچه در روح و جان من است آگاهی و من از آنچه در ذات (پاک) تو است آگاه نیستم، زیرا تو باخبر از تمام اسرار و پنهانیها هستی.

۱۱۷ - من به آنها چیزی جز آنچه مرا مامور به آن ساختی نگفتم، به آنها گفتم: خداوندی را پرستید که پروردگار من و پروردگار شما است، و تا آن زمان که میان آنها بودم مراقب و گواه آنان بودم، و هنگامی که مرا از میانشان برگرفتی تو خود مراقب آنها بودی، و تو گواه بر هر چیز هستی.

۱۱۸ - (با این حال) اگر آنها را مجازات کنی بندگان تواند (و قادر به فرار از مجازات نیستند) و اگر آنها را ببخشی توانا و حکیمی (نه مجازات تونشانه عدم حکمت و نه بخشش تو نشانه ضعف است).

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۱۳۴

تفسیر:

بیزاری مسیح از شرک پیروانش

این آیات پیرامون گفتگوی خداوند با حضرت مسیح (علیه السلام) درروز رستاخیز بحث می کند، به دلیل اینکه در چند آیه بعد می خوانیم: هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صَدَقُهُمْ: امروز روزی است که راستگوئی راستگویان به آنها سود می دهد و مسلما منظور از آن روز قیامت است.

به علاوه جمله فلما توفيتنی کنت انت الرقیب علیهم دلیل دیگری بر این است که این گفتگو بعد از دوران نبوت مسیح (علیه السلام) واقع شده است و شروع آیه با جمله قال که برای زمان ماضی است مشکلی ایجاد نمی کند، زیرا در قرآن بسیار دیده می شود که مسائل مربوط به قیامت به صورت زمان ماضی ذکر شده و این اشاره به قطعی بودن قیامت است، یعنی وقوع آن در آینده چنان مسلم است که گوئی در گذشته واقع شده، وبا صیغه فعل ماضی از آن یاد می شود.

به هر حال آیه نخست می‌گوید: خداوند در روز قیامت به عیسی آیا تو به مردم گفستی که من و مادرم را علاوه بر خداوند معبود خویش قرار دهید، و پرستش کنید؟ (و اذ قال الله يا عيسى ابن مريم اء انت قلت للناس اتخذوني وامی الهین من دون الله).

شک نیست که مسیح (علیه السلام) چنین چیزی را نگفته است و تنهادهوت به توحید و عبادت خدا نموده، ولی منظور از این استفهام اقرار گرفتن از او در برابر امتش، و بیان محکومیت آنها است.

مسیح (علیه السلام) با نهایت احترام در برابر این سؤال چند جمله در پاسخ می‌گوید:

۱ - نخست زبان به تسبیح خداوند از هر گونه شریک و شبیه گشوده و می‌گوید:

تفسیر نمونه ج: ۵ صفحه: ۱۳۵

خداوند! پاک و منزهی از هر گونه شریک (قال سبحانه).

۲ - چگونه ممکن است چیزی را که شایسته من نیست بگویم (ما یكون لی ان اقول ما لیس لی بحق).

در حقیقت نه تنها گفتن این سخن را از خود نفی میکند، بلکه میگوید اساساً من چنین حقی را ندارم و چنین گفتاری با مقام و موقعیت من هرگز سازگار نیست.

۳ - سپس استناد به علم بی‌پایان پروردگار کرده، می‌گوید: گواه من این است که اگر چنین می‌گفتم می‌دانستی، زیرا تو از آنچه در درون روح و جان من است آگاهی، در حالی که من از آنچه در ذات پاک تو است بی‌خبرم، زیرا تو علام الغیوب و با خبر از تمام رازها و پنهانی‌ها هستی (ان کنت قلته فقد علمته تعلم ما فی نفسی و لا اعلم ما فی نفسک انک انت علام الغیوب)

۴ - تنها چیزی که من به آنها گفتم همان بوده است که به من ماموریت دادی که آنها را دعوت به عبادت تو کنم و بگویم خداوند یگانه‌ای را که پروردگار من و شما است پرستش کنید (ما قلت لهم الا ما امرتني به ان اعبدوا الله ربی و ربکم).

۵ - و تا آن زمان که در میانشان بودم مراقب و گواه آنها بودم و نگذاشتم راه شرک را پیش گیرند، اما به هنگامی که مرا از میان آنها برگرفتی تو مراقب و نگاهبان آنها بودی، و تو گواه بر هر چیزی هستی (و کنت علیهم شهیداً ما

دمت فیهم فلما توفیتنی کنت انت الرقیب علیهم و انت علی کل شیء شهید)
۶- و با اینهمه باز امر، امر تو و خواست، خواست تو است، اگر آنها را در برابر این
انحراف بزرگ مجازات کنی بندگان تواند و قادر به فرار از

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۱۳۶

زیر بار این مجازات نخواهند بود، و این حق برای تو در برابر بندگان نافرمانت
ثابت است، و اگر آنها را ببخشی و از گناهانشان صرف نظر کنی توانا و حکیم
هستی، نه بخشش تو نشانه ضعف است، و نه مجازات خالی از حکمت و حساب
(ان تعذبهم فانهم عبادک و ان تغفر لهم فانک انت العزیز الحکیم).
در اینجا دو سؤال پیش می آید:

۱- آیا در تاریخ مسیحیان هیچ دیده شده است که مریم را معبود خود قرار
دهند؟ یا اینکه آنها تنها قائل به تثلیث و خدایان سه گانه یعنی خدای پدر و
خدای پسر و روح القدس بوده اند، و شکی نیست که روح القدس به پندار آنها،
واسطه میان خدای پدر و خدای پسر، می باشد و او غیر از مریم است، در پاسخ
این سؤال باید گفت: درست است که مسیحیان مریم را خدا نمی دانستند. ولی
در عین حال در برابر او و مجسمه اش مراسم عبادت را انجام می داده اند،
همانطور که بت پرستان بت را خدا نمی دانستند ولی شریک خدا در عبادت
تصور می کردند، و به عبارت روشنتر فرق است میان الله به معنی خدا واله
به معنی معبود، مسیحیان مریم را اله یعنی معبود می دانستند نه خدا.

به تعبیر یکی از مفسران گر چه هیچیک از فرق مسیحیت کلمه اله و معبود را
بر مریم اطلاق نمی کنند، بلکه او را تنها مادر خداوند میدانند ولی، عملاً مراسم
نیایش و پرستش را در برابر او دارند، خواه این نام را براو بگذارند یا نه سپس
اضافه می کند: چندی قبل در بیروت در شماره نهم سال هفتم مجله مشرق که
متعلق به مسیحیان است، مطالب قابل ملاحظه های به عنوان یاد بود پنجاهمین
سال اعلان پاپ بیوس نهم درباره شخصیت مریم منتشر گردید و در همین
شماره تصریح شده بود که کلیساهای شرقی همانند کلیساهای غربی مریم را
عبادت می کنند، و در شماره چهاردهم سال پنجم همان مجله مقاله ای به قلم
انستاس

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۱۳۷

کرملی درج شده که خواسته است در آن برای مساله عبادت مریم

حتی ریشه‌ای از کتب عهد عتیق و تورات پیدا کند، داستان دشمنی مار (شیطان) و زن (حوا) را به عنوان مریم تفسیر می‌نماید. بنابراین پرستش و عبادت مریم در میان آنها وجود دارد.

۲ - سؤال دیگر این است که چگونه حضرت مسیح (علیه السلام) با عبارتی که بوی شفاعت می‌دهد درباره مشرکان امت خود سخن می‌گوید و عرض می‌کند: اگر آنها را ببخشی تو عزیز و حکیمی. مگر مشرک قابل شفاعت و قابل بخشش است؟! در پاسخ باید به این نکته توجه داشت که اگر هدف عیسی (علیه السلام) شفاعت بود می‌باید گفته باشد انک انت الغفور الرحیم زیرا غفور و رحیم بودن خداوند متناسب با مقام شفاعت است در حالی که می‌بینیم او خدا را به عزیز و حکیم بودن توصیف می‌کند، از این استفاده می‌شود که منظور شفاعت و تقاضای بخشش برای آنها نیست، بلکه هدف سلب هر گونه اختیار از خود و واگذار کردن امر به اختیار پروردگار است یعنی کار به دست تو است، اگر بخواهی می‌بخشی و اگر بخواهی مجازات می‌کنی، هر چند نه مجازات تو بدون دلیل و نه بخشش تو بدون علت است و در هر حال از قدرت و توانائی من بیرون است.

به علاوه ممکن است در میان آنها جمعی به اشتباه خود توجه کرده و راه توبه را پیش گرفته باشند، و این جمله درباره آن جمعیت بوده باشد.

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۱۳۸

آیه ۱۱۹-۱۲۰

آیه و ترجمه

قال الله هذا يوم ينفع الصدقين صدقهم لهم جنت تجري من تحتها الانهر
 خلدین فیها ابدًا رضی الله عنهم و رضوا عنه ذلک الفوز العظیم ۱۱۹
 لله ملک السموت و الارض و ما فیهن و هو علی کل شیء قدیر ۱۲۰
 ترجمه :

۱۱۹ - خداوند می‌گوید: امروز روزی است که راستی راستگویان به آنها سود می‌بخشد، برای آنها باغهایی از بهشت است که آب از زیر (درختان) آن جریان دارد و جاودانه و برای همیشه در آن می‌مانند، خداوند از آنها خشنود و آنها از او خشنود خواهند بود و این رستگاری بزرگی است.

۱۲۰ - حکومت آسمانها و زمین و آنچه در آنها است از آن خدا است و او بر هر

چیزی توانا است.

تفسیر:

رستگاری بزرگ

در تعقیب ذکر گفتگوی خداوند با حضرت مسیح (علیه السلام) در روز رستاخیز که شرح آن در آیات قبل گذشت در این آیه می خوانیم: خداوند پس از این گفتگو چنین می فرماید: امروز روزی است که راستی راستگویان به آنها سود می بخشد (قال الله هذا يوم ينفع الصادقين صدقهم).

البته منظور از این جمله صدق و راستی در گفتار و کردار در دنیا است، که در آخرت مفید واقع می شود و گر نه صدق و راستی در آخرت که محل تکلیف نیست فایده های نخواهد داشت، به علاوه اوضاع آن روز چنان است که هیچکس

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۱۳۹

جز راست نمی تواند بگوید، و حتی گناهکاران و خطاکاران همگی به اعمال بد خویش اعتراف می کنند و به این ترتیب در آن روز دروغگوئی وجود ندارد. بنابراین آنها که مسئولیت و رسالت خود را انجام دادند و جز راه صدق و درستی نپیمودند، مانند مسیح (علیه السلام) و پیروان راستین او یا پیروان راستین سایر پیامبران که در این دنیا از در صدق وارد شدند، از کار خود بهره کافی خواهند برد.

ضمناً از این جمله اجمالاً استفاده می شود که تمام نیکی ها را می توان در عنوان صدق و راستی خلاصه کرد صدق و راستی در گفتار، و صدق و راستی در عمل، و در روز رستاخیز تنها سرمایه صدق و راستی است که به کار می آید، نه غیر آن.

سپس پاداش صادقان را چنین بیان می کند: برای آنها باغهایی از بهشت است که از زیر درختان آن نهرها جاری است، و جاودانه در آن خواهند ماند (لهم جنات تجري من تحتها الانهار خالدين فيها ابدًا).

و از این نعمت مادی مهمتر این است که هم خداوند از آنها راضی است و هم آنها از خداوند راضی و خشنودند (رضی الله عنهم و رضوا عنه).

و شک نیست که این موهبت بزرگ که جامع میان موهبت مادی و معنوی است رستگاری بزرگ محسوب می شود. (ذلک الفوز العظیم).

قابل توجه اینکه در این آیه پس از ذکر باغهای بهشت با آنهمه نعمتهایش، نعمت

خشنودی خداوند از بندگان و بندگان از خداوند را ذکر می کند و به دنبال آن، ذلک الفوز العظیم می گوید و این نشان می دهد تا چه اندازه این رضایت دو جانبه، واجد اهمیت است (رضایت پروردگار از بندگان و رضایت بندگان از پروردگار) زیرا ممکن است انسان غرق عالیتین نعمتها باشد ولی هنگامی که احساس کند مولی و معبود و محبوب او از او ناراضی است تمام آن نعمتها و مواهب در کام جانش تلخ می گردد. و نیز ممکن است انسان واجد همه چیز باشد ولی به آنچه دارد راضی

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۱۴۰

وقائع نباشد، بدیهی است آنهمه نعمت با این روحیه او را خوشبخت نخواهد کرد، و ناراحتی مرموزی دائما او را آزار و شکنجه می دهد و آرامش روح و روان را که بزرگترین موهبت الهی است از او می گیرد. علاوه بر این هنگامی که خدا از کسی خشنود باشد هر چه بخواهد به او می دهد و هنگامی که هر چه خواست به او داد او نیز خشنود می شود، نتیجه اینکه بالاترین نعمت این است که خدا از انسان خشنود و او نیز از خدایش راضی باشد. در آخرین آیه اشاره به مالکیت و حکومت خدا بر آسمانها و زمین و آنچه در آنها است شده و عمومیت قدرت او بر همه چیز بیان می گردد (لله ملک السموات و الارض و ما فیهن و هو علی کل شیء قدير). ذکر این جمله در واقع به عنوان دلیل و علت برای رضایت بندگان از خداست، زیرا کسی که بر همه چیز توانا است و بر سراسر عالم هستی حکومت می کند، توانائی دارد که هر چه بندگان از او بخواهند به آنها ببخشد و آنها را خشنود و راضی گرداند. ضمنا می تواند اشاره ای به نادرستی عمل نصاری در پرستش مریم بوده باشد، زیرا عبادت تنها شایسته کسی است که بر سراسر عالم آفرینش حکومت می کند، نه مریم که مخلوقی بیش نبوده است. (پایان سوره مائده)

← بعد

↑ فهرست

→ قبل